



ادامه بحث‌های برجای در جلسه شورای حکام

گروسی: منتظر توضیحات ایرانیم

گروه دیپلماسی: جلسه شورای حکام با بررسی پرونده برجام برگزار شد. ساعاتی پس از برگزاری این جلسه نیز علی باقری‌کنی، معاون سیاسی وزیر خارجه و رئیس هیئت ایرانی در مذاکرات احیای برجام به وین بازگشت. در جلسه شورای ...

صفحه ۴

پنجشنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۰ • ۷ شعبان ۱۴۴۳ • ۱۰ مارس ۲۰۲۲



پاسخ فریدون مجلسی به کوروش احمدی

غباروبی از اسطوره مصدق

گروه دیپلماسی: در شماره ۱۴ اسفند «شرق» به مناسبت سالروز درگذشت شادروان دکتر محمد مصدق مقاله‌ای از آقای کوروش احمدی، طبیعتا در منقبت آن شادروان انتشار یافت. مصدق رهبر آن جنبش ملی بود. بزرگداشت...

صفحه ۴

سال نوزدهم • شماره ۴۲۴۰ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان



تترها

شفافیت در نظام اداری از شو سیاسی تا واقعیت

صفحه ۳

۸ مارس افغانستان زیر سایه طالبان

«نقیسه بهار» در گفت‌وگو با «شرق» روایت کرد

صفحه آخر

مهاجران و نظامی سازی مرزها

صفحه ۹

متخصص «تنگ» ایران در اروپا

صفحه ۱۱

یک قرن صنعت و سیاست

صنعت؛ بازنده جنگ سیاست مردان

از راه آهن تا پیکان نقش فناوری‌های جنگاورانه در پیشبرد دانش

صفحه‌های ۲ و ۶

حرف اول

کتاب ماه روزنامه «شرق» رفیق دُن کامیلو در شرق

«رفیق دُن کامیلو» نوشته جوانی گوارسکی، روایتی درگیری‌های سیاسی دُن کامیلو، کشیش سرسخت کاتولیک با شهردار کمونیست دهکده‌ای در ایتالیا است که به خاطر طنز قوی و نقادانه داستان به شدت شهرت یافته و محبوبیت دارد. جوانی گوارسکی، نویسنده داستان‌های «دُن کامیلو» - روزنامه‌نگار، نویسنده، کارتون‌نویس، طنزپرداز و فعال سیاسی ایتالیایی - داستان‌های کشیش دُن کامیلو را در مجلاتش منتشر می‌کرد و بعدها این داستان‌ها با عناوین مختلف به شکل کتاب منتشر شد. طنز تلخ و گزنده گوارسکی که سرسخانه جریان‌های سیاسی حاکم را به نقد می‌کشاند، بارها او را پای میز محاکمه کشاند. او همچنین در صحنه حوادث سیاسی، اجتماعی و وطن خود، ایتالیا، در طول دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ حضور فعال داشت و تجربیاتش از زندان نظامی و اردوگاه کار اجباری را در داستان‌ها و مقالات طنزآمیزش ثبت کرد که مشهورترین آنها، داستان‌های دُن کامیلو است و گوارسکی این شخصیت را براساس مشرب فکری یک کشیش واقعی کاتولیک خلق کرد که او را در اردوگاه‌های کار اجباری داخانو شناخت. داستان «رفیق دُن کامیلو» برخلاف دیگر داستان‌هایی که با محوریت این شخصیت در دهکده‌های در ایتالیا می‌گذرد، در اتحاد جماهیر مخفی سوسیالیستی رخ می‌دهد. دُن کامیلو برای بازید از کشور شوراها به آنجا رفته و خود را به‌جای رقیبش، شهردار پیونده جازده که مسئول انتخاب هیئت از اعضای فعال حزب کمونیست ایتالیا برای دیدار از سرزمین آرمانی است. دُن کامیلو با تهدید و باج‌گیری از پیونده، در لباس مبدل و به‌نام «رفیق دُن کامیلو» همراه پیونه به شوروی می‌رود تا برای کلیسا گزارشی مخفی تهیه کند. گوارسکی در خلال این همراهی اجباری، به انتقاد از کمونیسم می‌پردازد. گوارسکی، روحیه انتقادی خود را که با موضع‌گیری علیه موسسولینی در طول جنگ جهانی دوم و ناسزا به فاشیست‌ها آغاز شد و با انتقاد از کمونیست‌ها در داستان‌هایش ادامه یافت، در تمام عمر خود دنبال کرد تا حدی که به انتقاد تمام‌عیار از حزب محبیب خود نیز رسید. روزنامه «شرق» با همکاری انتشارات فرهنگ معاصر، هر ماه یک کتاب را همراه روزنامه توزیع می‌کند. «رفیق دُن کامیلو» روایت هجوآمیز روزنامه‌نگار ایتالیایی، گوارسکی، نخستین کتاب این رویداد ماهانه است.

رفیق دُن کامیلو

یادداشت

مخاطرات تاخیر در توافق نهایی برجام



جلال میرزایی*

واقعیت این است که بحران اوکراین و افزایش قیمت نفت فرصتی خارق‌العاده برای تسریع در احیای برجام فراهم ساخته است. اگر پیش از این سه کشور اروپایی چندان عجله‌ای برای نهایی شدن متن توافق برجام نداشته‌اند و آمریکایی‌ها هم منتظر کوتاه‌آمدن ایران از برخی از پیش‌شرط‌هایش بودند؛ اکنون با تغییری که در اوضاع بین‌المللی ایجاد شده اروپایی‌ها بیشتر و آمریکا دلگرم‌تر از قبل دنبال توافق با ایران و پایان مذاکرات هستند. امروز این فرصت نصیب کشورمان شده که بتواند استفاده و بهره‌بردارایی‌های لازم را به عمل آورد. اما در صحنه واقعیت با این پدیده مواجه هستیم که تصمیم‌گیران در کشور با تردیدهایی در حوزه محاسباتی خود روبرو هستند. برخی موقعیت کنونی را فرصتی برای اخذ امتیازات بیشتر از آمریکا ارزیابی می‌کنند و بر این باور هستند که تاخیر چندروزه می‌تواند منجر به حصول توافقی مطلوب‌تر شود. در مقابل عده‌ای از تسریع در روند مذاکرات تاکید دارند. البته موضع اخیر بیشتر در میان نخبگان و دانشگاهیان دیده می‌شود. برای همین در شرایط حاضر دیدگاه اول پرنرنگ‌تر است. استدلالی که این طیف مؤثر دارند این است که عجله در رسیدن به توافق باعث می‌شود تا کشور از اخذ نتیجه دلخواه و به تعبیر خودشان توافق خوب دور شود. به نظر می‌رسد پیگیری این سناریو به دو دلیل ممکن است نتیجه‌ای را که سازگار و هم‌راستا با منافع ملی کشور باشد، به دنبال نداشته باشد.

۱- روسیه بخشی از راه‌حل در زمینه احیای برجام است، همچنان که بحران اوکراین تاکنون فرصت‌هایی را خلق کرده، این امکان وجود دارد که با تشدید رویارویی غرب با روسیه، این کشور خود را به‌عنوان راه‌حل از دسترس خارج کند و در نتیجه توافق ناخواسته با تأخیر مواجه شود. نباید از نظر دور داشت که این تأخیر فرصتی برای جریان‌های ضدبرجام در واشنگتن، تل‌آویو و پایتخت‌های عربی است که امروز صدای آنها متأثر از بحران اوکراین به حاشیه رفته است.

۲- این امکان وجود دارد که میان روسیه و اوکراین آتش‌بس برقرار نشود و در این صورت بخشی از التهابات موجود در بازار انرژی به‌خصوص افزایش قیمت نفت فروکش می‌کند...

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

زیباگروزیباجو در مانگرو درمانجو



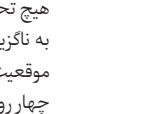
امیر عربی

اگرچه نسل ما (پزشکان دهه شصتی و دهه هفتادی) هنوز از نظر سنی و تجربی و جهان‌بینی به حدی نرسیده‌ایم که بگویم «زمان تحصیل ما فلان بود» و «ما که پزشکی را شروع کردیم بهمان شد». ولی این‌قدر تغییرات عرفی و اجتماعی در این سال‌ها سریع اتفاق افتاده است که باور کنید آن موقع که ما پزشکی را شروع کردیم، یعنی همین ۱۲۰۰ سال پیش، واقعا هیچ چیز مثل الان نبود. زمان ما حتی اگر از پزشکی نفرت هم داشتید، عاشقش می‌شدید. هر روز سناریوهایی را مرور می‌کردید که معنی و مفهوم داشت. ویژگی اول پزشکی در ایام ماضی قریب، ارتباط درون‌زاد علم و ثروت بود. پزشکی با اقتصاد رابطه شفافی داشت؛ هرچه باسوادتر، پولدارتر. هر روز جلوی چشم‌تان پزشک درمان می‌کرد و مریض درمان می‌شد، پزشک لذت می‌برد و مریض بی‌درد می‌شد. هنوز پزشکی تابعی بود از علم و قضایوت و درمان محصولی بود از پزشک و درمانگر. هنوز بیمارانی بودند که وقتی ماشین و خانه پزشکی را می‌دیدند می‌گفتند نوش جاننش، چون آن پزشک دردی از دردشان دوا کرده بود. اصلا آن موقع این‌گونه بود که هرچه پزشک بهتری بودید پولدارتر می‌شدید، وقتی چند خانه و چند ماشین داشتید ناخودآگاه احترام هم داشتید چون همه می‌دانستند این پول در ازای کاری به دست آمده که فقط از دست شما برمی‌آمده. پنجه‌طلاها ثروتمندتر بودند و محترم‌تر، ویژگی دوم آن ایام، جریان نامحسوس انسانیت در پزشکی و ارجحیت درمان بود. اصلا پزشکی کارش تسکین درد بود و این‌قدر درمان درد حرمت داشت که زیان‌کردن می‌ماند برای آرایشگر! مثل الان نبود که با درد سنگ کلیه باید به این در و آن در بیمارستان‌ها بزیند تا کسی دردتان را کم کند، ولی در همین فاصله ۵۰ بیامک عمل پلک و بوتاکس دریافت می‌کنید و در زیرزمین بقالی سر کوچک‌تان بلغاروپلاستی و بوتاکس می‌کنند. پنجه‌طلا هم تعریف داشت. کسی که عمل سخت‌تر را بهتر انجام می‌داد و کمتر می‌گفت پنجه‌طلا بود، نه کسی که بینی را قشنگ‌تر نوک‌بالا می‌کرد و پیشانی را بیشتر صاف می‌کرد. مقصر پزشک نیست، حرمت بینی و پلک از قلب و مغز و کلیه بیشتر شده است.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

هومان برادر پیران وپسه



مهدی افشار پژوهشگر

رستم پس از نجات بیژن و مشاهده ستمی که بر آن جوان رفته بود از خشم بر کاخ افراسیاب بتاخت با اندیشه کین‌جویی و افراسیاب در خوابگاه خویش پنهان شد و چون رستم با غنایم بسیار به ایران بازگشت، سپهسالار توران بر آن شد بر ایران از چهارسوی بتازد به سودای ویرانی تا از یک سوی دل شکسته و رنجور خود را آرام گرداند و از دیگرسوی سپاه توران را که روحیه باخته بود، انگیزه و نیرو بخشد. کیخسرو با آگاهی از اندیشه نیای مادری خویش، سپاه ایران را از چهارسوی به مقابله فرستاد و بخشی از سپاه ایران را به فرماندهی گودرز به سوی سپاهی از توران گسیل کرد که فرماندهی آن را پیران وپسه برعهده داشت و خسرو، گودرز را گفت همه تلاش خود را به کار گیرد که پیران را به ایران بخواند به پاداش مهرورزی‌هایش به او و مادرش، فرنگیس. گودرز، کیو را نزد پیران فرستاد به آشتی‌جویی و پیران که توان مقابله با سپاه پرتوان ایران را نداشت، کوشید زمان بخرد و در پاسخ کیو گفت باید با خویشان خود درباره این پیشنهاد به کنکاش بنشیند و سپس از افراسیاب، سپاه یاری‌بخش خواست و آنگاه که سپاهش تقویت شد، پیران از جنگ سخن گفت و دو سپاه به مدت یک هفته در برابر یکدیگر رده برکشیدند، بی‌

ادامه در صفحه ۲

سرمقاله

نوی دل‌انگیز رهبری

سیدمصطفی هاشمی‌طبا



سیدمصطفی هاشمی‌طبا

می‌خواهم فریاد کنم: آقای مسئولان گذشته و حال، آقای مردم شیعه علی و سنت پیامبر، آقای خانم‌ها، آقای کشاورزان، آقای ماشین‌داران، آقای تولیدکنندگان برق، آقای مصرف‌کنندگان آب، آقای نمایندگان مجلس، آقای وزیر کشاورزی، آقای وزیر نیرو، آقای رئیس سازمان محیط زیست و آقای مسیحیان، آقای همه! اگر درک دقیق و درستی از فاجعه‌های که بر سر زیستگاه ایران آمده نداشتید و اگر اطلاعات شما کم و ناچیز است و اگر زندگی را در مصرف و بی‌توجهی به ثروت‌های خداداد که به امانت به یادگار رسیده است و بی‌توجهی شما ناشی از همین بی‌اطلاعی است، حال که رهبر فرزانه انقلاب در آستانه سال نو و قرن جدید هجری شمسی به سخن آمده، شما که مدعی پیروی از ولایت فقیه و رهبری هستید، شما که پرچم کشور را دوست دارید، لاقابل به سخنان ایشان توجه کنید و بی‌اطلاعی خود را با اطاعت از نظرات ایشان جبران کنید. البته این نباشد که از فردا نهضت پارچه‌نویس و نصب بیلوردر راه بیفتند و دژبانان ارتش کلمات ایشان را روی تابلوهای موتورسیکلت نصب کنند. چه بسا که شکارچیان تصویر ایشان را روی لباس خود نصب کنند و در همان حال حیوانات باردار را هدف قرار دهند. سخنان ایشان باید بازتاب اجرایی در همه آحاد کشور داشته باشد وگرنه اگر کشاورزان در مصرف آب از یکدیگر سبقت بگیرند، وزارت کشاورزی فقط به دنبال قیمت سیب و پرتقال باشد، شهروندان هرگونه که خواستند با آب و محیط زیست رفتار داشته باشند، باغداران درختان خود را با ویلا معاوضه کنند، مسئولان استانی وزارت مربوطه در برابر خشک شدن نخل‌ها حتی سر را به تأسف خم نکنند و دولتی‌ها در برابر خشک شدن دریاچه ارومیه و شورشدن و آلودگی رود کارون و فاجعه سد گتوند خود را به خواب زنند، آنچه امروز مشاهده می‌کنیم آن است که مسئولان کشور از درک درست از فاجعه پیش‌رو را ندارند یا خود را به خواب زده‌اند. ریاست محترم مجلس می‌فرماید برای مجلس معیشت مردم مهم است، آری باید مهم باشد اما غارن‌سازان به ساکنان ساختمانی که فونداسیون آن از هم پاشیده و سقف آن بر سر مردم خراب می‌شود چه سودی دارد. بیانات رهبری باید در بودجه کشور و در تصمیمات مجلس‌نشینان متجلی شود و باعث شود بحث‌های مخفی زیرزمینی خشتی شود و نه آنکه به انتظار انفجار بمب‌های تحت‌الارضی بمانیم. گاه دشمن از آسمان بمب بر سرمان فرومی‌ریزد و ولی گاه میلیون‌ها بمب ساکت در زیر زمین پنهان است که موجب ششست زمین، بی‌آبی کشاورزان، نابودی کشاورزی، جدال طایفه‌ای، کمیته منطقه‌ای و نهایتا زوال کشور می‌شود. با تحریم‌ها، دشمنی‌های آشکار و کمبوندها می‌توان مقابله کرد و خطر آن کو اینکه ناچیز نیست اما در برابر فروپاشی زیستگاهی جامعه بسیار ناچیز است. بسیار باصراحت باید اذعان کرد که پاشنه آشیل کشور همین فروپاشی زیستگاهی است زیرا سایر موارد با قدرت یا تدبیر با تعامل و حتی با سازش قابل جبران است ولی حتی با تسلیم امکان بازگرداندن فروپاشی زیستگاهی به وضع اول وجود ندارد که چه گفران نعمتی است به این سورفتن و رهسپار شدن. این بیان نه در اقتصاد به مسئولان فعلی است، همه مسئولان و همه دولت‌ها و حتی همه مردم مسبب چنین وضعی هستند و از کاوش برای کشف بدیهات چیزی به دست نمی‌آید، مهم آن است که از این پس جبران مافات شده و نهضتی عام در کشور برپا شود.

ادامه در صفحه ۴

Advertisement for the book 'The East' (شرق) by Salman Rushdie, published by Nafis. The ad features a large stylized logo for 'Rooznameh' and a photograph of the author and other figures. Text includes 'سالم رشدی' (Salman Rushdie), '۱۹ نفر این نثر' (19 authors in this prose), and contact information: 'واتس اپ ۰۹۳۵۵۰۷۱۴۸۳' and '۰۲۱-۸۸۹۰۳۵۴۸'.

ادامه در صفحه ۴